

سرمقاله

تردیدهای رفسنجانی و چرا باید می آمد

منصور امان

برخلاف دوره های پیشین، تحرک آقای رفسنجانی برای ورود به کاخ ریاست جمهوری، یک راهپیمایی ساده نیست و او ناچار خواهد بود، دعوت هموردان به رقابت را بپذیرد. امری که به شتاب وی را به یک چهره ی متعارف در میان دیگر صورتکهای جویای قدرت تبدیل می کند. حمله غیرمعمول نامزد ریاست جمهوری به "گرایشهای افراطی که زحمات مدیران نظام را نادیده می گیرند"، "نقصها را بزرگ می کنند"، "دامان خود را پاک جلوه داده و چهره نظام را می آلودند"، نشان از احساس خطر او و جدی گرفتن رقابت در پیش دارد. رویارویی آغاز شده، تنها ریسک پیش بینی ناپذیر نتایج آن بر موقعیت عمومی رفسنجانی را به همراه ندارد بلکه، به تقویت و استقلال بیشتر گرایشات مخالف وی نیز می انجامد. یک پیامد ناگزیر چنین سناریویی، در مرتبه ی نخست، ازهم پاشیده شدن باند ولایت، ایجاد صف بندیهای جدید در درون و بیرون آن و گشوده شدن مرزهای راست و چپ جناح مزبور به همه سو است. ناگفته پیداست تاثیر این شکاف بر دایره توانایی و اختیار دولت آتی چه خواهد بود.

با این وجود، حجت الاسلام رفسنجانی، یک شریک دایمی قدرت از هنگام شکل گیری رژیم ملاحا، ناچار است شکایت کتان تن به این مصاف بدهد. قدرت سیاسی - انحصاری گرایشهای تند رو باند ولایت، او و بورژوازی نوکیسه جمهوری اسلامی را که بند ناف آن به مواهب برآمده از قدرت سیاسی گره خورده است، از راس هرم تولید ثروت به زیر خواهد کشید. تجدید حیات شعارهای پوپولیستی لُمن پرتاریا را اینان از جمله با اقدامات مجلس هفتم در طرح تثبیت قیمتها یا حذف ماده ۳ برنامه چهارم توسعه که خصوصی کردن شرکت نفت را هدف گرفته بود، شاهد هستند. مانورهایی که لعاب "عدالت گرایانه" آن، به دشواری می

بقیه در صفحه ۴

است. ناقوسهای هشدار دهنده به صدا درآمده اند و هموردان نامزد ریاست جمهوری، ورود آقازاده ها محسن و فائزه رفسنجانی به صحنه ی تصفیه حساب را در رسانه های چاپی، الکترونیکی و تریبونهای گوناگون اعلام می کنند. با توجه به ژرفا و پهنای اقتصاد جیفه ای حجت الاسلام، به خوبی می توان حدس زد که او اکنون تنها به نتایج سحر چشم دوخته و صبح دولت در فرمها و با تیتراهای متنوع، در راه است. تفاوت میان رویدادهایی که در انتخابات مجلس ششم وی را به لقب "آقا-سی" مشهور ساخت و آنچه که اینک چشم انداز آن در افق پدیدار گشته، تنها در جایگزینی "اصلاح طلبان تندرو" با

مخالقان بفرستد. او می توانست با نشریاتی که به برکت "فضای باز" او به تازه گی منتشر می شدند، خُجره خود را رونق دهد و همزمان اتوبوس نویسندگان آنها را تا لبه پرتگاه براند. استقلال نمادین وزیر اطلاعات و معاون او سعید امامی، حاشیه خاکستری مورد نیاز برای نشو و نمای رییس آنها را فراهم می آورد. اگرچه اغراق بعدی آقای رفسنجانی در ویژه گی مصنوعی مزبور، در این میان به کدورت میان او و گمارده امنیتی اش راه برده اما آثار سودمند این سیاست حتی هم اکنون و زمانی که او ناکامی سیاست خارجی اش را با "عوامل مشکوک مُبم گذار" توضیح می دهد، امتداد می یابد. زاویه دیگری که ضرورت تحرک از

این فقط طنز سیاه نیست که "بهترین آلترناتیو حکومت" (فیگارو، تایمز)، یکی از بی اعتبارترین سیاستمداران نزد جناح خود و افکار عمومی است. آرایش امروز سیاسی در جمهوری اسلامی، بیش از همه، نشانگر جایگاهی است که رژیم ملاحا فردا خود را در آن خواهد یافت.

سایه را برای مرد پرنفوذ "نظام" چشم پوشی ناپذیر می سازد، مساله حساس فعالیتها ی اقتصادی او و اعضای خانواده اش است. موضوعی که بازتاب سیاسی و اجتماعی آن می تواند نه فقط برای شخص رفسنجانی بلکه، یک گرایش مشخص نفع بردگان از قدرت نیز در دسر ساز باشد. هنگامی که او منتقدان خویش را اینگونه به تمسخر می گیرد که آنها را به ارایه "سند مالکیت خانه و زمین" برای اثبات اتهام فساد مالی فرا می خواند، در حقیقت کارایی متد خود را به رُج کشیده است.

اینکه شرایط چگونه می تواند دگرگون شود را حجت الاسلام رفسنجانی در جریان انتخابات مجلس ششم تجربه کرد. در آن هنگام، یک گرایش تندروتر "اصلاح طلبان"، در حالیکه از پشتیبانی خاموش آنان بهره مند می شد، برخی دانسته های درونی حکومت پیرامون فعالیتها ی او را آشکار ساخت. ضربه ی سختی که همزمان با انتقام گیری بعدی از پرده دران، کناره گیری حجت الاسلام را نیز در پی داشت. در دور جدید رقابتهای انتخاباتی، شرایط بهتری به انتظار او ننشسته

شاگرد آیت الله خمینی، تصمیم گیری مهم سیاسی خود را همچون او پس از اعلام آتش بس در جنگ با عراق، "نوشیدن جام زهر- تلخ" توصیف کرده است. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، به همین گونه، نامزدی خود برای پُست ریاست جمهوری را "یکی از سخت ترین تصمیمها در سراسر سالهای فعالیت سیاسی" خود خواند. وصف حالی که آقای رفسنجانی از خود به دست داده را می توان باور داشت یا نداشت اما این نیز یک واقعیت است که به میدان آمدن آشکار نفر دوم جمهوری اسلامی در هیرارشای قدرت، زبانههای معینی را نیز متوجه او می سازد. امری که به "تردیدها و نگرانیها"ی ابتدایی وی، پایه ای مادی می بخشد. برای رییس مجمع تشخیص مصلحت، مطلوبتر آن بود، یک "کوتوله سیاسی" که همزمان سوگلی چند حرم در میمن و یسار اتمسفر سیاسی "نظام" به شمار می رفت، بر این مسند نشسته، امور را سازگار با ذائقه ی خداوندگاراناش "تدارک" ببیند.

اما ژرفای دره ای که این بار بین محافل گوناگون باند ولایت کاویده شده است و فرآیند رویدادهای برآمده از این شکاف، حجت الاسلام رفسنجانی را بدانجا کشاند که اکنون ایستاده است: در کانون کشمکشها و در نقش سیبل هدف گیری.

هیچکس بهتر از او به فواید و امتیازهای نهفته در حضور قدرتمند پُست پرده آگاه نیست و هیچکس بیشتر از آقای رفسنجانی از نتایج دلچسب و سودآور پدر خوانده گی، بهره نگرته است. حتی آنگاه که او بالاترین مقام دیوانسالاری جمهوری اسلامی یعنی، ریاست جمهوری را در اختیار داشت، چندان به سبک کار خود وفادار ماند که بسیاری او را به "بی کفایتی" و "عدم توانایی در کنترل زبردستانش" متهم می کردند. حجت الاسلام اما بیشتر ترجیح می داد به این نشان خوانده شود تا مسوولیت آن بخش از سیاستها و اقدامات نه چندان پاکیزه دولت خود را به دوش بکشد. این رویکرد به آقای رفسنجانی اجازه می داد، در همان حال که با مدال "مُدره" اهدایی از سوی دوستان اروپایی - آمریکایی خود ژست می گیرد، چاقوکشان و ششلول بندهای حجت الاسلام فلاحیان را به سراغ